معمای چینی

خارجیهایی که می‏خواهند در کشورهای در حال‏ توسعه تجارت کنند باید از بزرگی بازارهای بالقوهء آنها آگاه باشند.ولی عمومی‏ترین ارقام تولید ناخالص داخلی که برای کشورهای جهان سوم‏ استفاده می‏شود گمراه کننده است:براساس این ارقام، اندازهء واقعی اقتصاد این کشورها نسبت به کشورهای‏ ثروتمند کوچکتر عنوان می‏شود.

سرانجام،"صندوق بین‏المللی پول‏"در آخرین‏ شمارهء نشریهء"چشم انداز اقتصاد جهان‏"به این‏ موضوع اعتراف کرده است.این صندوق برای اینکه‏ بازدهء کشورهای مختلف را جمع بزند،تولید ناخالص داخلی(به پول محلی)آنها را به دلار بازار آزاد تبدیل می‏کرد.ولی اکنون تصمیم گرفته است‏ تا از اصل‏"برابری قدرت خرید"که تفاوت قیمتهای‏ بین‏المللی را در بر می‏گیرد،استفاده کند.

در نتیجه،سهم کشورهای در حال توسعه از تولید جهانی از 18 درصد(به شیوهء قدیم)ناگهان به 34 درصد افزایش یافت.سهم اروپای شرقی و شوروی‏ سابق نیز از 9 درصد به 11 درصد رسید.در مقابل، سهم کشورهای صنعتی از 73 درصد به 54 درصد کاهش یافت.

شاید بهترین مدرکی که ارقام پیشین را بی‏اعتبار می‏کند این باشد که سهم آسیا در تولید جهانی به رغم‏ اینکه یکی از زود رشدتری مناطق جهان به شمار می‏آمد.از 9/7 درصد در سال 1985 به 2/7 درصد در سال 1990 کاهش یافته بود.این موضوع به خاطر کاهش شدید نرخ ارز برخی کشورهای آسیایی در برابر دلار بود.

به چند دلیل،نرخهای ارز بازار باعث چنین نتایج‏ گمراه کننده‏ای می‏شود؟بی‏ثباتی این نرخها درد سر ساز است،ولی این عیب به خودی خود باعث سو گیری پایدار نمی‏شود؟مشکل اینست که این‏ نرخها با توجه به میانگین‏"صحیح‏"نوسان نمی‏کنند (اگر"صحیح‏"را با قدرت خرید بسنجیم).حتی اگر این موضوع واقعیت داشت(همانطور که برخی از اقتصاددانان بحث می‏کنند)که نرخهای ارز به مرور باعث تعادل قیمت کالاهای تجاری بین‏المللی‏ می‏شود،اختلاف چشمگیری در قیمت کالاها و خدمات غیر تجاری مانند مسکن و حمل و نقل داخلی‏ باقی می‏ماند.

اگر قیمت کالاهای تجاری در همه جا یکسان می‏بود، در آن صورت دستمزدها در هر کشور به بهره‏وری‏ صنایعی بستگی داشت که این کالاها را تولید می‏کردند.یعنی در کشورهایی که بهره‏وری آنها پائین است،دستمزدها پایین خواهد بود.تولید- کنندگان کالاهای غیر تجاری نیز در این کشورها نسبت به همتاهای خود در کشورهای مولدتر تمایل‏ دارند که دستمزد کمتری دریافت کنند.با این حال، بهره‏وری برای کالاهای غیر تجاری نسبت به‏ کالاهای تجاری در کشورها تفاوت چندانی ندارد. از این رو،خدمات کشورهای در حال توسعه طبیعتا ارزانتر است.افزون بر آن،دولتهای جهان سوم‏ غالبا بخشهای مسکن و نیرو را به طور مصنوعی ارزان‏ نگهمیدارند.در نتیجه،تبدیل تولید ناخالص‏ داخلی این کشورها با نرخ ارز بازار به طور سیستماتیک‏ بازده واقعی آنها را کم نشان می‏دهد.

"برنامهء مقایسهء بین‏المللی‏"سازمان ملل‏ متحد،بلند پروازانه‏ترین تلاشی است که برای‏ ارزشیابی مجدد تولید کشورهای در حال توسعه‏ بر پایه نرخهای بین‏المللی انجام شده است.در این‏ برنامه تلاش می‏شود تا برابری قدرت خرید در هر 5 سال براساس مقایسهء مشروح قیمتها در هر کشور برآورد شود.صندوق بین‏المللی پول از برآورده‏های برنامهء مزبور برای ارزیابی جدید خود جهت تمام کشورها بجز چین استفاده کرده‏ است.این صندوق در مورد چین از برآورد معتدل‏تر خود بهره گرفت زیرا فکر می‏کرد که برآورد برنامهء مزبور برای آن کشور به طور غیر واقع بینانه‏ای‏ بالاست.

حتی در این صورت،ارقام جدید صندوق بین‏المللی‏ پول هنوز سهم چین را در تولید جهانی تا 6 درصد افزایش می‏دهد-یعنی 3 برابر میزان پیشین که‏ همین امر باعث می‏شود تا این کشور پس از آمریکا (با 5/22 درصد)و ژاپن(با 6/7 درصد)سومین اقتصاد بزرگ جهان بشمار آید.در نتیجه،سهم‏ آسیا از تولید جهانی از 7 درصد به 18 درصد افزایش‏ یافته است.

تولید ناخالص داخلی چین سالهاست که مورد بحث و جدل می‏باشد.تبدیل تولید ناخالص‏ داخلی این کشور در سال 1992 بر حسب نرخ ارز رسمی،رقمی برابر با 440 میلیارد دلار یا 370 دلار به‏ ارزی هر نفر را نشان می‏دهد.و این یعنی اقتصاد این‏ کشور کوچکتر از کاناداستو درآمد سرانهء آن تنها اندکی بیشتر از هندوستان می‏باشد-و چنین برداشتی‏ با طول عمر بالا و مصرف روزانهء مواد غذاییی،بدون‏ در نظر گرفتن مصرف کالاهای با دوام،تناقص دارد (تقریبا 70 درصد از مردم شهر نشین چین هم اینک‏ از تلوزیون رنگی و 81 درصد از ماشین لباسشوئی‏ برخوردارند.

ولی براساس ارزیابی جدید صندوق بین‏المللی‏ پول،تولید ناخالص چین در سال 1992 تقریبا برابر با 2000 میلیارد دلار(یا 1700 دلار سرانه)بوده است.برآورد بانک جهانی نشان‏ می‏دهد که این رقم در سال 1990 بر اساس‏"برابری‏ قدرت خرید"بالغ بر 2210 میلیارد دلار بود.با افزودن 10 درصد رشد و تورم در طول 2 سال،این رقم‏ به 2870 میلیارد دلار در سال 1992(یا 24660 دلار سرانه)می‏رسد.بدین ترتیب،چین در ردیف دومین‏ اقتصاد بزرگ جهان قرار می‏گیرد.

بانک جهانی،بر خلاف صندوق بین‏المللی‏ پول،ارقام تولید ناخالص داخلی تمام کشورهای‏ در حال توسعه را بر اساس برآوردهای‏"برنام‏ مقایسهء بین‏المللی‏"سازمان ملل منتشر می‏کند.در این جدول،مقایسه‏ای میان تولید ناخالص داخلی‏ سرانه با استفاده از نرخ ارز بازار و تولید ناخالص‏ داخلی براساس‏"برابری قدرت خرید"برای‏ گزیده‏ای‏از کشورها در سال 1992 انجام شده است‏ (ارقام‏"برابری قدرت خرید"بالاتر از ارقام 1990 بانک جهانی بوده است).چین تنها کشوری نیست‏ که تولید آن کم عنوان شده باشد.ظاهرا مصر، مالزی و تایلند نیز با توجه به محاسبهء"برابری قدرت‏ خرید"بسیار فقیر هستند.برای مثال،تولید ناخالص داخلی سرانهء تایلند از 1780 دلار به‏ 5580 دلار افزایش می‏یابد.تنها در یک مورد، یعنی آرژانتین،تولید ناخالص داخلی براساس‏ "برابری قدرت خرید"کمتر است.

اگر تولید ناخالص داخلی به نرخ ارز بازار تبدیل‏ شود،هیچ یک از کشورهای در حال توسعه بالاتر از کشورهای صنعتی گروه 7 قرار نمی‏گیرند.با این‏ حال،ارقام‏"برابری قدرت خرید"داستان بسیار متفاوتی را بیان می‏کند(به نمودار نگاه کنید)با توجه‏ به نمودار،علاوه بر چین که در مقام دوم قرار گرفته، هندوستان در ردیف پنجم ایستاده است و کشورهای‏ مکزیک و برزیل نیز هر دو بزرگتر از کانادا به نظر می‏رسند(این کشور اخیرا هفتمین قدرت گروه 7 بوده است).

اگر چه بیشتر اقتصاددانان هم عقیده‏اند که‏ ارزیابی بر اساس‏"برابری قدرت خرید"دقیق تر از نرخ ارز بازار است،ولی هنوز یک مشکل وجود دارد: ارقام اصلی پول محلی احتمالا موثق نیستند. برای مثال،دولتهای کشورهای فقیر ممکن است به‏ خاطر دریافت وامهای آسان از نهادهای مالی‏ بین‏المللی یا انجام تجارت مطلوب،ارقام تولید ناخالص داخلی خود را تا حد ممکن کم گزارش کنند. و این احتمال وجود دارد که اقتصاد"غیر رسمی‏" کشورهای فقیر بزرگتراز کشورهای ثروتمند باشد.

با توجه به تمام این موارد،برخی کشورهای‏ در حال توسعه ممکن است بالاتر از جدول جهانی‏ تولید ناخالص داخلی قرار بگیرند.سهم کشورهای‏ صنعتی در تولید جهانی احتمالا هم اکنون به کمتر از نصف کاهش یافته است.

مأخذ نشریهء اکونومیست،مه 1993 پی نوشت